



حجت الاسلام والمسلمین دکتر بی‌ریا

چند مسیر یا مبرهاشم پیروز صحنه ما ایم

اشاره:

سال‌های سال در شهرهای مختلف آمریکا به تبلیغ اسلام پرداخته است. پیش از آن، مبارزه با رژیم طاغوت، حضور در جبهه‌ها، تحصیل در حوزه علمیه قم و تحقیق و پژوهش؛ عرصه‌هایی بودند که از او مسلمانی مبارز و مجاهد ساخت. او اکنون مشاور عالی رئیس جمهور در امور حوزه‌های علمیه و روحانیت است و مردی پرکار و پرتلاش در حوزه و دانشگاه. پای صحبت‌های او می‌نشینیم؛ حجت الاسلام والمسلمین دکتر سقایی بی‌ریا.

پویا: با تشکر از اینکه فرصتی را در اختیار ما قرار دادید. همان‌طور که می‌دانید در سال پیامر اعظم قرار داریم. فکر می‌کنید اگر پیغمبر خدا در این عالم به عنوان پیامبر خاتم مبعوث نمی‌شدند و با حضرت مسیح باب نبوت بسته می‌شد و دین و شریعت اسلام به دنیا نمی‌آمد، وضعیت دنیا چگونه می‌شد؟
دکتر بی‌ریا: بسم الله الرحمن الرحیم. این سؤال مثل این است که بپرسیم اگر یک جنینی قبل از کمالش به دنیا می‌آمد چه می‌شد؟! خدای متعال برای هر پیامبری منهای و شریعتی قرار داد و بر اساس نیاز آن جوامعی که پیامبران در آن مبعوث می‌شدند، راهمایی و شریعی. همه پیامبران پیام‌های مشابهی داشتند و می‌گفتند که: ایمان به خدا و روز جزا داشته باشید و هدف هم نزدیک شدن به خدا و رسیدن به کمال و مدارج بالای انسانی بود. یک ویژگی که در شریعت رسول خدا ﷺ به عنوان خاتم پیامبران هست، این است که معجزه رسول خدا قرآن و تعلیمات آن است، اگر ما از دید الهی بخواهیم به این سؤال پاسخ بدهیم که اگر بنا بود دین خدا به حضرت مسیح ختم بشود چه می‌شد؟! مسلماً خدای متعال تمهیداتی داشت که اولاً: این دین کامل و دستورات آن ماندنی باشد و ترتیبی می‌داد که این دین تحریف نشود و چون همان اصول را داشت؛ توحید و نبوت و توجه به قیامت، قاعدتاً به همان سبکی می‌بود که الان هست. اگر بنا بود اسلامی در کار نباشد و همین دین محرف مسیحیت باشد که مثل آبکش سوراخ سوراخ است و انسانیت را به راه راست نمی‌تواند هدایت بکند، مسلماً بشریت به آن چیزی که خدای متعال جهت کمال و هدایت، برای انسان تقدیر کرده به آن کمال نمی‌رسید. به یقین باید دانست اگر پیامبر خدا ﷺ مبعوث نمی‌شدند، دنیا وضع بسیار بدتری از آن چه که هست، داشت. الان دنیا به برکت نور

تعلیمات رسول خدا ﷺ خیلی رشد کرده و در حال رشد است. حتی تعلیماتی که پیامبر اسلام دارد، به طور غیر مستقیم مورد استفاده مسیحیت هم قرار می‌گیرد و به نحوی آن کشیش‌هایی که یک مقدار فطرت‌های بالاتری دارند بعضاً از دین اسلام هم مطلب گرفته، به اسم خودشان جا می‌زنند و در سخنرانی‌هایشان از تعلیمات و معارف ما استفاده می‌کنند. گرچه پایه و مایه دین‌شان خیلی ضعیف است و با آن اصولی که دارند راه به جایی نمی‌برند.

پویا: این زاویه‌ای که در بحث باز فرمودید، زاویه جالبی است، اما آنچه که در دوره‌های مختلف تاریخ به ویژه در ۱۴۰۰ سال بعد از رسول خدا ﷺ در اوراق تاریخ مشاهده می‌شود این نکته است که عموماً مستشرقینی که از غرب آمدند و شرق را گشتند، نظریات‌شان را درباره کارکردهای اسلام ارائه کردند. گرچه بزرگان و علمای شرق نکته‌ای را که می‌گویند این نکته است که اگر اسلام نمی‌بود، قطعاً دنیای امروز خیلی از تعلیم انسانی را همراه خودش نداشت. مثل این تعبیر، تعبیری است که پیامبر خدا نیز دارند و آن این که: «ما معلمان بشر هستیم». امروز اگر منصفانه نگاه شود برخی از تعالیمی که غربی‌ها به رخ می‌کشند، در حقیقت تعالیمی است که پیامبران خدا و به ویژه حضرت ختمی مرتبت ﷺ برای بشریت به ارمغان آوردند. نکته‌ای که اینجا فراموش می‌شود آن است که آیا امروز همان تعالیمی که ما ادعای آن را می‌کنیم و شعار آن را در قالب بیانیه‌ها و کنفرانس‌ها و همایش‌ها و کتاب‌ها اعلام می‌نماییم، آن تعالیم، تئوری‌ها، و نظریه‌ها در قالب جهانی و بین‌المللی کارآمدی و کارکردار دومی توان به عملی شدن آن شعارها دل بست؟

دکتر بی‌ریا: ببینید، سؤال خوبی است. هیچ وقت اسلام نخواست به بشر را مجبور بکند؛ یعنی برنامه اسلام این نیست که انسان مجبور بشود به راه راست برود. این در قرآن تصریح شده، اولاً به طور کلی خدای متعال می‌فرماید که: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (سوره ملک / ۲) خداوند می‌فرماید: مرگ و زندگی را آفریده برای این که شما را بیازماید که چه کار می‌کنید، کدام یک از شما کار نیک انجام می‌دهید! ، و می‌فرماید: «انا جعلنا ما علی الارض زینة لها لنبلوهم ایهم احسن عملا» (سوره کهف / ۷) که در آیات قبل این است که ما آن چه روی زمین است زینت دادیم در قلب شما و کشش قرار دادیم، انگیزه‌هایی در شما قرار دادیم برای این که شما را بیازماییم، مورد تکلیف قرار بدیم. پس هدف خدا از آفرینش این عالم امتحان است و در این امتحان‌هاست که انسان‌هایی به رشد و کمال اختیاری خودشان می‌رسند. هیچ وقت این بساط برجیده نمی‌شود و اصلاً هدف این نیست که این بساط برجیده بشود و گرنه خدا می‌توانست یک کاری بکند که همه مسلمان باشند، همه دارای یک دین باشند و هیچ کس نتواند تخلف بکند و هیچ کافری و هیچ منافقی نباشد. در قرآن می‌فرماید: «اگر ما می‌خواستیم آیه‌ای از آسمان

خورشید روح انسان و چیزهایی که خدای متعال در روح انسان قرار داده و آن گرایش‌هایی که در روح انسان قرار دارد بسی بالاتر و فراتر از زمان و مکان است و اسلام روی آن کار کرده و آن را مبنای خودش قرار داده، تمام این نظامی هم که اسلام آورده بر اساس آن فرزانان و فرمان‌ها تعریف شده. لذا فرقی ندارد زمان پیامبر باشد، هزار سال بعدش باشد، دو هزار سال بعدش باشد، این می‌درخشد، این درخشش خودش را نه تنها از دست نمی‌دهد بلکه نیاز به او روز به روز بیشتر و روشن‌تر می‌شود.

کسی مثل امام (رضوان‌الله‌علیه) می‌رسد به آن قله‌ها و واقعا پیامبر گونه می‌شود زندگی‌اش، راه و رسمش، صحبتش، مشی اقتصادی و مشی اخلاقی یا مثل مقام معظم رهبری و دیگر بزرگان اسلام که در صدر بودند و هستند.





نازل می‌کردیم که گردن‌های آنها خاضع بشود برای آن آیه» (سوره شعرا / ۴) ولی خدا این را اراده نکرده، خدا می‌خواهد انسان‌ها در شرایط و فضاهایی باشند که با اختیار خودشان به سوی حقیقت حرکت بکنند. این مسئله دو حالت دارد؛ یا انسان‌ها وقتی که دین خدا می‌آید و حق بیان و مسائل برای انسان‌ها روشن می‌شود، به راه راست می‌آیند و راه خدا را انتخاب می‌کنند و یا این که به راه راست نمی‌آیند، ولی حجت بر آنها تمام می‌شود. یعنی بر اینها واضح و روشن می‌شود که دین خدا حق است ولی اینها تخلف و معصیت می‌کنند. در زندگی خود پیامبر اعظم اسلام ﷺ هم همین نکته را ما می‌بینیم. شخص پیامبر کامل‌ترین انسان است و می‌بینیم؛ در سراسر زندگی ایشان مشکلات و فراز و نشیب‌های زیادی وجود داشته تا این که به رسالت از سوی خدای متعال نائل شدند. این مسئله همچنان ادامه خواهد یافت یعنی تا عالم برپاست، امتحان انسان و هدف کمالات اختیاری او نیز هست. مسئله اجبار نخواهد بود گرچه تکلیف وجود دارد. بعضی‌ها فکر می‌کنند که اگر اجبار نیست، تکلیف هم نباید باشد. در حالی که این جور نیست تکلیف هست اما اجباری به پذیرش نیست، این گونه نیست که یک کسی را مجبور بکنند به راهی برود. این اختیار و آزادی که خدا داده اختیار مسئول است، یعنی در برابر تکلیف مسئولیت دارد. آن نکته‌ای که می‌خواستیم بگویم این است که اسلام در چه مرحله‌ای است؟ آیا اسلام بارشده مادی و موفقیت‌های ظاهری، یا با عملکرد مردم مورد محک قرار می‌گیرد؟ ممکن است در یک شرایطی تعداد زیادی از مردم به اسلام عمل نکنند ولی در عین حال تعدادی از انسان‌های وارسته دارند ساخته می‌شوند و امتحان می‌دهند. دارند به کمالات عالی می‌رسند و هدف همین است که در شرایط سخت یک انسان‌هایی به کمالاتی برسند. باید به این نکته هم

احمدی نژاد یک بسیجی است، آمد و شد رئیس جمهور، که دنیا را مبهوت کرد. این یک میوه شیرین اسلام است و این دارد دنیا را مبهوت می‌کند. از این کیفیت‌هاست که، از آن طرف شما می‌بینید مسیحیت و غرب و اروپا و سردمداران‌شان کاملاً مبهوت می‌شوند. این را می‌شود فهمید، یعنی یک کسی مثل بوش را نگاه کنید. میوه غرب بوش است، هر کسی ببیند حالش به هم می‌خورد. یک چنین انسانی، این فرد میوه درخت غرب است.

توجه کرد که هر چه شرایط سخت‌تر می‌شود ممکن است تعداد کمتر بشود، ممکن است به یک جایی برسیم که یک تعداد محدودی از انسان‌ها به کمال برسند ولی آن کمالاتی که آنها به آن می‌رسند قابل مقایسه با کمال انسان‌های قبلی نیست. در روایتی مشهور آمده که، «روزی رسول خدا در میان بعضی از اصحاب‌شان بودند و فرمودند: کجا هستند برادران من؟! گفتند مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمودند: نه، شما اصحاب من هستید، برادران من اقوامی هستید که در آخر الزمان می‌آیند و اینها مرا نمی‌بینند من آن وقت از دنیا رفته‌ام و من را نمی‌بینند و از یک سیاهی بر روی یک سفیدی (یعنی خط قرآن) که سیاهی است بر روی سفیدی صفحه، ایمان می‌آورند»، از روی فکر، از روی عقل، از روی درایت و توجه به آیات الهی ایمان می‌آورند و در شرایط سختی به سر می‌برند. اینها برادران من هستند. در کل عالم ممکن است امثال حزب الله لبنان اندک بوده و تعدادشان نسبت به دیگران کمتر باشد، ولی کیفیت دارند. تعداد افرادی که در ایران واقعا به دین خدا عمل می‌کنند و انقلابی بودن خودشان را حفظ و دینداری خودشان را حفظ می‌کنند و به سوی اهداف الهی حرکت می‌کنند ممکن است، نسبت به آنهایی که چنین نمی‌کنند، کمتر باشد ولی اینها ارزشی بسی بالاتر از حتی گذشتگان پیدا خواهند کرد. این زاویه اگر چه از جهت زمانی بازتر می‌شود ولی سخت‌تر می‌شود. این معجزه را اسلام داشته که انسان‌ها در اثر مجاهده در راه خدا در جاتی کسب می‌کنند و به کمالات معنوی می‌رسند، این روی کاغذ نبوده بلکه به مرحله ظهور رسیده، واقعا انسان‌هایی ساخته شدند و مرحله به مرحله اینها به جامعه بشری تقدیم شدند و به تعبیری به مصرف رسیدند اما دوباره اسلام نظیر اینها را تولید کرد. این را خود پیغمبر در جنگ موت‌ه فرمودند، وقتی که تعدادی از اشراف کشته شدند از جمله جعفر بن ابی طالب که مشهور است که پیامبر فرمودند به جای دو دستی که در راه خدا داد خدا دو بال به او عنایت می‌کند، مسلمان‌ها خیلی ناراحت شدند. پیامبر دلداری به آنها داده، فرمودند: مثل اسلام مثل آن باغی است که یک باغبان دلسوز دارد، علف هرزهای آن را می‌کند، آبیاری می‌کند، رسیدگی می‌کند به این باغ، سال اول یک تعداد میوه می‌دهد میوه‌های شیرین و خوب، اینها را می‌چینند ولی سال دوم میوه‌های بهتری می‌آورد، باز هم میوه می‌دهد باز هم می‌چینند باز هم میوه می‌دهد. این مثل «الم تر کیف ضرب الله مثلا کلمة طيبة کسجرة طيبة» (سوره ابراهیم / ۲۴) است، این مثال همان درخت است، درخت اسلام است که پیامبر ﷺ آنرا کاشت و در همه زمان‌ها میوه خودش را داده، می‌دهد و خواهد داد. این است که ما نگرانی از این جهت نداریم. آن چیزی که وجه همت مسلمان‌ها هست و باید باشد این است که در هر شرایطی از شرایط زمانی و مکانی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی که قرار می‌گیرند ببینند خدا از آنها در این شرایط چه چیزی می‌خواهد. شرایط ممکن است سخت باشد ولی اگر به آن چیزی که خدا از آنها می‌خواهد عمل کنند اینها حتما به کمالاتی دست پیدا می‌کنند که گذشتگان هم حتی نمی‌توانستند به آن دست پیدا کنند و این چیز جالبی است که ما توجه پیدا بکنیم اگر یک جوان مسلمان که نور ایمان در قلب او تابیده و آشنای با قرآن شده، آشنای با تعلیمات پیامبر اعظم اسلام شده و الان در راه خدا به راه افتاده، این بر اساس همین فرمولی که عرض کردم؛ هر چه از عمر این درخت بگذرد میوه‌هایش بهتر و بهتر می‌شود. الان آن بهترین میوه است که دارد می‌دهد، در این لحظه‌ای که شما به دین اسلام عمل می‌کنید شما جزء شیرین‌ترین میوه‌های این درخت و بهترین‌ها هستید؛ یعنی بهتر از بقیه آن چیزهایی که آمدند. حالا با توجه به کیفیت، این جوری بگوئیم اگر یک جوانی مثل شما در سن شما، صد سال پیش، ده سال پیش در زمان‌های گذشته به اسلام عمل می‌کرد و شما هم الان دارید به اسلام عمل می‌کنید، شما در مقایسه با او یک میوه شیرین‌تر اسلام هستید چون شرایط سخت‌تر شده ولی هر چه جلوتر می‌رویم کیفیت این میوه بهتر می‌شود و این اصلا یک چیز بالنده و رشد یابنده است، یعنی یک کیفیت رشد یابنده‌ای است که قابل مقایسه با زمان دیگری نیست. آنچه که الان نو به نو تولید می‌شود و تولیدات اسلام و انسان‌هایی که ساخته می‌شوند در هر برهه‌ای از زمان، از تمام زمان‌های قبلی کیفیتش بهتر و بالاتر است تا برسد به آن مرحله‌ای که پیامبر فرمودند اینها می‌شوند برادران من، برادران من یعنی دیگر انسان‌های عالی‌تر، انسان‌هایی که بالاتر از آنها هیچ کس نیست. به یک عبارت دیگر اسلام در

عرض خیلی لازم نیست که رشد بکند، گرچه رشد هم داشته و رشد هم خواهد کرد. خدای متعال هم وعده داده که روزی خواهد رسید که «لِظَهْرِ عَلِيِّ الدِّينِ كَلْبَهُ» (سوره توبه / ۳۳) دین پیامبر ﷺ را بر همه ادیان غالب خواهد کرد.

پویا: حضرت عالی فردی بودید که در دنیای خارج از اسلام مدت زیادی را زندگی کرده‌اید و از نزدیک این پدیده ای را که فرمودید، مشاهده کرده‌اید. به نظر شما رشد و پیشرفت اسلام در طول و عرض و کمیت و کیفیت به ویژه در جهان غرب چگونه بوده است؟

دکتر جریا: بر اساس آمار، رشد اسلام در غرب از همه ادیان دیگر و نسبت به ادیان دیگر بیشتر بوده، یعنی اگر یک دینی یک تعدادی پیروان جدیدی پیدا کرده اسلام از آنها بیشتر و جلوتر بوده. این امر در اروپا و وحشت اروپائیان را برانگیخته است، تحلیل‌های خصوصی که بین سران غرب وجود دارد این است که کشورهای اروپایی رشد منفی جمعیت دارند. مسلمان‌های مهاجر که برای انجام کار به غرب می‌آیند در اینجا ساکن می‌شوند و رشد جمعیتی خوبی دارند. این مهاجران مسلمان دین خودشان را نه تنها حفظ می‌کنند بلکه در اطراف خودشان نیز دین اسلام را ترویج می‌کنند. چرا که این دینی است که قابلیت پذیرش دارد. سران غرب حدس زده بودند که تا ده سال دیگر ممکن است آمار مسلمان‌ها در اروپا غلبه پیدا کند بر آمار دین‌های دیگر، یعنی اکثریت را به دست می‌آورند و چون در کشورهای اروپایی مسئله دموکراسی و رأی‌گیری هست منجر به تغییر حکومت‌ها خواهد شد. مثلاً اگر در فرانسه اکثریت‌شان مسلمان باشند، یک روزی بگویند ما می‌خواهیم در فرانسه اسلام حاکم باشد ما چه خاکی به سرمان بکنیم! از همان جا شروع کردند. انگلیس همین‌طور، فرانسه همین‌طور. وحشت و ترس و خوف همه سران اروپا را فرا گرفت. قضیه مبارزه با حجاب در فرانسه یک وسیله‌ای بود برای این که اولاً جلوگیری بکنند از مهاجرت مسلمان‌ها به کشورهای اروپا تا جمعیت مسلمان‌ها را بتوانند به گونه‌ای کنترل بکنند. اینها وقایع و حقایقی است که بوده و در آمریکا هم کم و بیش این مسئله وجود دارد. فعالیت‌های مسلمان‌ها به‌خصوص بعد از انقلاب اسلامی بسیار زیادتر و

گسترده‌تر شده، چرا که انقلاب خیلی در گسترش مفاهیم الهی و اسلامی در کل

دنیا مؤثر بود. الان مظاهر اسلامی را شما در هر شهری از شهرهای آمریکا بروید می‌توانید ببینید. مثلاً یکی از مظاهر این است که مثلاً فروشگاه گوشت و محصولات حلال در همه شهرها هست. هر شهری، حالا به غیر از شهرهای کوچک، شهرهای بزرگ آمریکا و اروپا و همه کشورهای دنیا، همه جا، مغازه‌ای که جنس حلال می‌فروشد و گوشت حلال دارد، راه اندازی شده است. اینها نشانه رشد اسلام است. اگر مظاهر یک دینی در یک جامعه‌ای

وجود داشت معنایش رشد آن دین است. معنایش این است که انسان‌هایی هستند که طالب این کالا هستند که باید برای آنها تهیه بشود. روی اینها من خیلی تکیه ندارم، آنچه که تکیه دارم این است که اولاً اسلام پایگاهش فطرت انسان است و فطرت انسان هم روح مجرد انسان است که خداشناسی در آن تعبیه شده یعنی ما روح‌مان از خدای متعال آگاه است، آگاهی نسبت به خدای متعال داریم و این فطرتی است که خدا انسان‌ها را بر آن آفریده، روح انسان‌ها این زمینه را دارد. چه بسیار افرادی که مسیحی بودند اما مسلمان شدند. اینها اظهار کردند که ما از بچگی، از کودکی مسئله «تثلیث» برایمان حل نبوده! یک عدمشان می‌گفتند که من اعتقاد به خدای یگانه داشتم هیچ وقت باورم نبوده که سه تا خدا هست. این واقعیتی را می‌رساند که روح انسان با توحید آشناسست و این انحرافات را نمی‌پذیرد. یک پدیده‌ای قابل توجه است که عده‌ای از کسانی که به طرف اسلام می‌آیند کسانی هستند که مثلاً گوشت‌خوار نیستند! گوشت خوک و گوشت حرام آلوده‌شان نکرده و در حقیقت یک صفای درونی داشتند که به سوی اسلام کشیده شدند. آن کیفیت‌ها برای ما مهم است یعنی برای ما مهم نیست که چند نفر مسلمان می‌شوند مهم این است که آنهایی که مسلمان می‌شوند با چه کیفیتی مسلمان می‌شوند. آن کسی که وقتی نهج البلاغه را می‌خواند و به تعبیرات حاکی از عدالت امام علی (ع) می‌رسد که می‌فرماید: «من حتی حاضر نیستم یک پوست جوی را از دهان یک مورچه‌ای بگیرم و لو من را شکنجه بدهند، حاضرم شکنجه را تحمل کنم اما یک پوست جو را از دهان یک مورچه‌ای نگیرم»، آنجا می‌فهمد که حق چیست و تصمیم می‌گیرد تا مسلمان بشود. این برای ما خیلی ارزش دارد، این یعنی همان شیرینی آن میوه، یک دانه میوه هم که تولید بشود یعنی یک نفر در قلب آمریکا اگر درست و حسابی به سوی اسلام رو بیاورد این کافی است و برای ما دستاورد بسیار بزرگی است، که بحمدالله تعدادشان کم نیست. من روی کمیت تکیه ندارم، اسلام همیشه روی کیفیت تکیه می‌کند، به پیامبرش می‌گوید که اگر هیچ کس هم روی زمین نیامد که تو را یاری بکند و در جنگ شرکت بکند علیه ظلم و طغیان و مشرکین، «لَا تُكَلِّفُ الْاَنفُسَ» (سوره نساء / ۸۴) یعنی تو فقط خودت مأموری که بروی جلو، یک تنه جلو بروی یعنی اگر هیچ کس در دنیا نبود که به دین عمل بکند و لو غیر از خود پیامبر، خود پیامبر مأمور است که برود و به دین عمل بکند. زمانی بود که در روی کره زمین سه نفر مسلمان بودند پیامبر بود و امیرالمؤمنین و خدیجه کبری (سلام‌الله علیهم) ولی عین سه نفر با برکت وجودی خود انقلاب برپا کردند.

پویا: در تولید و ایجاد این تفکر نورانی، شکی نیست که حضرت رسول اکرم ﷺ مهم‌ترین نقش را داشتند، اما به نظر شما در باز تولید و باز آفرینی و احیای دوباره این تفکر در عصر جدید، به ویژه در قرن بیستم، علما و مجاهدان اسلام به ویژه حضرت امام (ره) و شهدای انقلاب اسلامی چه نقشی داشتند؟

دکتر جریا: دوباره باید بازگردیم به تشبیه درخت پر میوه اسلام. درخت مبارکی است که



اگر بنا بود اسلامی در کار نباشد و همین دین معرف مسیحیت باشد که مثل آبکش سوراخ است و انسانیت را به راه راست نمی‌تواند هدایت بکند، مسلماً بشریت به آن چیزی که خدای متعال جت کمال و هدایت، برای انسان تقدیر کرده به آن کمال نمی‌رسید. به یقین باید دانست اگر پیامبر خدا ﷺ مبعوث نمی‌شدند، دنیا وضع بسیار بدتری از آن چه که هست، داشت.

ترس و هراس غربیها از یاجحاب بودن زنان کشورشان



میوه می دهد و میوه دادن آن در هر عصری ممکن است، آن هم میوه های شیرین و بهتری از نظر کمی و کیفی می دهد. لذا همیشه ثمرات این شجره طیبه پیش چشم جهانیان هست. اگر چشمشان را باز بکنند؛ اگر به شخصیت

امام (رضوان الله علیه) همین یک شخصیتی که اسلام تحویل جامعه داده نگاه کنیم به شخصیت مقام معظم رهبری و آن کیفیتها و آن عظمتها که این شخصیت دارد، یا حتی نگاه به یک بسیجی کنیم، مثلاً؛ احمدی نژاد یک بسیجی است، آمد و شد رئیس جمهور، که دنیا را مبهوت کرد. این یک میوه شیرین اسلام است و این دارد دنیا را مبهوت می کند. از این کیفیتهاست که از آن طرف شما می بینید مسیحیت و غرب و اروپا و سردمداران شان کاملاً مبهوت می شوند. این را می شود فهمید، یعنی یک کسی مثل بوش را نگاه کنید. میوه غرب بوش است، هر کسی ببیند حالش به هم می خورد. یک چنین انسانی، این فرد میوه درخت غرب است. خود اینها می گویند که ما آدم خوب نداریم. خودشان می دانند. رئیس جمهوری که به او رأی می دهند می گویند چاره ای نداریم چون آدم خوب کم است. شما رئیس جمهور یک مملکتی را می بینید که هم جنس یاز است. دیگر افتضاح از این بیشتر می شود که رئیس یک مملکتی این جور باشد ولی شما مسئولان خودمان را یک مقایسه کوتاه بکنید با مسئولان دنیا، بالاخره این آدمهایی که در دنیا صاحب فکر هستند و منصف هستند از نظر فکری توجه به این مسائل دارند؛ یعنی کیفیتهایی که در رئیس جمهور نظام جمهوری اسلامی می بینند با کیفیتهایی که در دیگران می بینند اصلاً زمین تا آسمان از نظر کیفی، فرق دارد. این بی راهه است که ما بحث را ببریم روی کمیت و عده و تعداد. تعداد مطرح نیست همیشه مسئله کیفیت مطرح است. مگر پیامبر مثل کسری و قیصر و اینها زندگی می کرد؟ وقتی می آمدند می دیدند که می ایستند توی کوچه با

یک پیرزن صحبت می کند نیم ساعت این پیرزن سؤال می کند پیامبر صبورانه به او جواب می دهد، این کیفیتهای پیامبر بود که دنیا را تکان داد هر کس می آمد می گفت نه، این پادشاهی نیست این پیغمبری است. این کیفیتها در هیچ جای دیگر دنیا پیدا نمی شود، اینهاست که حقیقت اسلام را برملا می سازد و در جهان رشد می دهد. ما افتخار باید بکنیم، یک جوان ما باید افتخار بکند به این که در یک چنین فضایی قرار گرفته و قدر خودش را بداند که ولو حالا در سنین خودش کسی

مثل او راه او را نمی رود، ولی این یک نفر که می رود به راه راست و راه حق، این خیلی ارزش دارد.

پویا: این نکته که فرمودید در ارتباط با جدا نشدن پیامبر از پادشاهی و نبوت، یک سیره روشن و یک شهاب روشنی است در راه تاریخ بشر که هر زمانی هم قابل اجراست. به نحوی که او حاکم است و پادشاه اما رفتارش با رعیت و گدا، همچون رفتاری است که با اشراف و اغنیا دارد. اما فکر می کنید چرا رؤسا و حکام، آن هم نه رؤسا و حکام دنیا بلکه رؤسا و حکام رده دو و سه جامعه خودمان که مدعی حکومت نبوی و سیره نبوی هستند، نمی توانند آن قالب را و آن شکل اجرایی را که رسول خدا پیاده کرد، در منش و شیوه حکومتی خودشان پیاده کنند و به آن عمل کنند. علتش را در چه می دانید؟!

دکتر بی ریا: ببینید، راه باز است. هر کسی می تواند موفق بشود تا اندازهای از شخصیت پیامبر را در خودش پیاده کند. او اسوه است؛ «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنة» (سوره احزاب / ۲۱) این اسوه بودن از هر جهت است؛ هم برای حاکمان هم برای افراد عادی. به هر اندازه ای که ما توانسته باشیم آن کیفیتها را در خودمان ایجاد بکنیم، و زنده بکنیم

نزدیک می شویم به پیامبر و حکومت پیامبر، تعارف هم نداریم، به هر اندازه که ما نقص داریم فاصله داریم با آن حضرت، ما نقص داریم باید بپذیریم که ناقص هستیم و این میوه کامل نیست. این میوه مثل میوه ای می ماند یا خوشه ای می ماند که یک تعدادی از آنها نرسیده و ترش است، و این را باید بپذیریم یک کسی مثل امام (رضوان الله علیه) می رسد به آن قلمها و واقعا پیامبر گونه می شود زندگی اش، راه و رسمش، صحبتش، مشی اقتصادی و مشی اخلاقی یا مثل مقام معظم رهبری و دیگر بزرگان اسلام که در صدر بودند و هستند. یک کسی هم مثل بنده می شود که در آن سطح است، پایین است. ما چیزی نتوانستیم کسب بکنیم جز ادعا، با ادعا هم که چیزی حل نمی شود، ما باید واقعا آن راه و رسم را در خودمان احیا بکنیم و هستند همواره کسانی که این کیفیتها را در خودشان رشد می دهند.

پویا: یک هشدار را ظهور انقلاب و در واقع پیش حضرت امام (ره) در عصر جدید به دنیا داد، صحبتی هم که ایشان در ارتباط با مدل حکومتشان در پاریس می فرمودند این گونه بود که می گفتند: مدل حکومتی من مدل حکومتی رسول خدا ﷺ در صدر اسلام و امیر المؤمنین (ع) است، این هشدار بود به دنیا که این غنچه نوشکوفه مجدداً قرار است که عطر مبارک حضرت رسول را در جهان پراکنده کند. با توجه به آن زمینه های خاصی که حالا حضرت تعالی هم فرمودید از زمانی که انقلاب آغاز شد، نشان داد که یک تنه می تواند در مقابل هشتاد کشور دنیا در جنگ با بایستد، در انقلاب، همه بحرانها را پشت سر بگذارد با تمسک به همان سیره ۴۰۰ سال پیش. از آن سو با تمام تبلیغات منفی، اسلام به یکباره و در عرض ۳۰ سال به رشد چشمگیری در اروپا و آسیا و آفریقا و تمام جهان دست می یابد. این رشد، باعث ایجاد و انکس از سوی دشمنان اسلام شد. طبیعی هم بود که آنها به صورت

سران غرب حدس زده بودند که تا ده سال دیگر ممکن است آمار مسلمان ها در اروپا غلبه پیدا کند بر آمار دین های دیگر، یعنی اکثریت را به دست می آورند. و این اکثریت منجر به تغییر حکومتها می گردد. مثلاً اگر در فرانسه اکثریت شان مسلمان باشند، یک روزی بگویند ما می خواهیم در فرانسه اسلام حاکم باشد ما چه خاکی به سرمان بکنیم!

آنچه که الان نو به نو تولید می شود و تولیدات اسلام و انسانهایی که ساخته می شوند در هر برهه ای از زمان، از تمام زمان های قبلی کیفیتش بهتر و بالاتر است تا برسد به آن مرحله ای که پیامبر فرمودند اینجا می شوند برادران من، برادران من یعنی دیگر انسان های عالی تر، انسانهایی که بالاتر از آنها هیچ کس نیست.



دارد نورافشانی می‌کند، همه مردم دارند این را می‌بینند. اگر ما عمل کنیم به اسلام و هر کدام از ما یک خورشید مثالی از پیامبر بشویم، اسوه بودن پیامبر در اعمال و رفتار و کل وجود ما خودش را نشان بدهد به روایت دیگر ما آینه وجودی پیامبر اعظم بشویم در دنیا، درخشش وجودی شخصیت‌های مسلمان ما در چشم مردم عالم قرار می‌گیرد حالا هر چه بخواهند فیلم بسازند و به این خورشید نورانی حمله کنند، مردم دیگر به این چیزها توجهی نمی‌کنند. اینها یک تلاش‌های مذبذبانهای است که مصداق آیه «یریدون لیطفئوا نورالله بآفواههم والله متم نوره و لو کره الکافرون» (سوره صف / ۸) است، خدا نورش را تمام می‌کند اگر چه کافرین نمی‌خواهند. می‌خواهند نور خدا را با فوت خاموش کنند نور خدا با فوت خاموش نمی‌شود، این کیفیت‌هایی که در اسلام است شکست‌ناپذیر است و هیچ دینی این گونه نیست! ما افتخار داریم که خدای متعال این دین را، و خود پیامبر را که تجلی کل دین است به ما ارزانی داشته و به عنوان اسوه، پیامبر اعظم را به ما داده و ما فقط باید کارمان این باشد که همان طوری که امام صادق (ع) فرمودند: «کونوا لنا زینا و لا تکون علینا شینا»؛ زینت‌شان باشیم با عمل خودمان، مثل آنها راه برویم، کردارمان، رفتارمان، عقائدمان، اهدافمان، انگیزه‌هایمان همان انگیزه‌های پیامبر باشد.

تا آخر راه را ما رفتیم، می‌خواهم بگویم «نگرد! نیست، ما گشتیم، نبود.» و واقعا همین است آنهایی که رفتند، من خودم را نمی‌گویم، همه ایرانی‌هایی که در آمریکا بودند زبان حالشان این بود که ما آمدیم اینجا چیزی و خبری نیست، آمدیم و گرفتار شدیم... این کیفیت‌هایی که در کشور خودمان است خیلی بهتر و بالاتر است. کیفیت‌های اسلامی چون دین، تقوا، معنویت، رابطه با خدا، اینها اینجا پیدا می‌شود، مهدش اینجا است. گرچه آنجا هم به برکت اسلام عدای هدایت پیدا کرده‌اند در همه شهرها مراکز اسلامی هست، آنجا هم اگر کسی بخواهد به طرف خدا برود «سبیل الراغبین الیک شارع» آنجا هم راه باز است، بسته نیست و این باز هم معجزه اسلام است که یک دینی است که در هر محیطی می‌تواند رشد کند، یک گیاهی است که هر جا بپرید رشد می‌کند. در بیابان باشد، در بیشه باشد، در جنگل باشد در سخت‌ترین شرایط باشد این گیاه رشد می‌کند. حرف من به عزیزان و جوانان خودمان این است که قدر خودمان را و اسلام خودمان را و پیامبران را بدانیم. ما خیلی چیزهای قشنگی داریم، خیلی چیزهای ارزشمندی داریم اینها را نباید از دست بدهیم. ان شاءالله از آن استفاده کنیم مطمئن باشیم که ما پیروزم هم در صحنه‌های کمال انسانی و اهداف الهی و هم در صحنه‌های مادی و علوم دنیایی، پیروز صحنه ما هستیم و خدای متعال این وعده را داده و دور نیست آن وعده، «انهم یرونه بعیدا و نراه قریبا» (معارج / ۷ و ۶).

سلسله‌وار و مرحله مرحله علیه اسلام وارد عمل شوند. شاید به صورت عینی و نمود ظاهری‌اش این حرکت خصمانه از سلمان رشدی شروع بشود که آیات شیطانی به صورت خیلی گسترده‌ای در دنیا توزیع و تکرار می‌شود و حمایت همه جانبه دنیا را با خود همراه می‌سازد. این فرآیند دنبال می‌شود تا اینکه به روزنامه‌های دانمارکی و ایتالیایی کشیده می‌شود. اخیرا هم در ارتباط با توهین به حضرت رسول ﷺ فیلمی در حال تهیه است که از ایشان چهره بسیار زشت و ناجوری به تصویر خواهد کشید که ان شاءالله موفق نمی‌شوند. فکر می‌کنید با این دوره و این سلسله برنامه‌های که تاکنون داشته‌اند چه نقطه‌ای را نشانه رفته و چه هدفی را دنبال می‌کند؟

دکتر بی‌ریا: ببینید، من یک تعبیری را تصحیح بکنم که ما سبیره‌ای که از پیامبر داریم سبیره فرازمانی و فرامکانی است. چون این سبیره روی روح ساخته شده ما معتقدیم که روح مجرد است و زمانی و مکانی نیست و لذا بالاتر از زمان و مکان ایستاده. حالا همه می‌گویند مثلا سبیره ۱۴۰۰ سال پیش، خود همین تعبیر ۱۴۰۰ سال پیش تعریض است و این که این کهنه است اما اگر توجه پیدا بکنید این سبیره فرازمان و فرامکان است و اصلا زمان و مکان نمی‌تواند دست تجاوز به آن دراز کند و آن را از بین ببرد. این مثل خود خورشید است، خیلی چیزها در عالم هست که تعبیری نکرده و همواره انسان به همان سبک به آن نیاز دارد. مثل نیاز زمین و گیاهان و انسان‌ها و موجودات به نور خورشید، همیشه هم به همان سبکی که از اول بوده باقی مانده. نیاز به هوا، همیشه به همان سبک باقی مانده، نیاز به آب زلال و آب روان به همان سبک باقی مانده. ممکن است حالا آب را ما به شکل‌های شربت و غیره بنوشیم ولی بدن ما به آب نیاز دارد، به غذا و به هوا و به نور خورشید نیاز دارد و اینها عوض نمی‌شود. چون که خورشید از سطح جو زمین بالاتر است، بالاتر از آن چیزها و تحولاتی است که این پایین دارد رخ می‌دهد. خورشید روح انسان و چیزهایی که خدای متعال در روح انسان قرار داده و آن گرایش‌هایی که در روح انسان قرار دارد بسی بالاتر و فراتر از زمان و مکان است و اسلام روی آن کار کرده و آن را مبنای خودش قرار داده، تمام این نظاماتی هم که اسلام آورده بر اساس آن فرازمان و فرامکان تعریف شده. لذا فرقی ندارد زمان پیامبر باشد، هزار سال بعدش باشد، دو هزار سال بعدش باشد، این می‌درخشند، این درخشش خودش را نه تنها از دست نمی‌دهد بلکه نیاز به او روز به روز بیشتر و روشن‌تر می‌شود. حرکت دشمنان اسلام در حقیقت مثل کسی است که می‌خواهد جلوی نور خورشید را بگیرد. جلوی نور خورشید را کسی نمی‌تواند بگیرد می‌تواند جلوی چشم خودش را بگیرد یا جلوی چشم بغل دستی خودش را بگیرد ولی خورشید آمده بالا و

پویا: به عنوان آخرین کلام، جوان‌هایی مثل ما که خیلی نقص دارند و خیلی اطلاعاتشان کم است اگر بخواهیم این نور درخشان و این عطر دل‌انگیز را خیلی عالی و به صورت مفید و خلاصه برای دنیایی که با این نور و عطر غریبه است بهتر منعکس بکنیم و بهتر به آنها منتقل بکنیم، چه کار باید بکنیم؟ به تعبیر دیگر چگونه در قرن ۲۱ میلادی و ۱۴ هجری راه و مرام پیامبر را در عالم زنده کنیم؟

دکتر بی‌ریا: من فکر می‌کنم به ابعاد انسان توجه کنیم و پاسخ این سؤال که اصلا نیاز انسان چیست و برای چه آفریده شده و هدف از زندگی روی کره زمین چیست را بیابیم. همین مسئله خودشناسی بسیار مهم است؛ «رحم الله امرء عرف نفسه و علم من این و فی این والی این». همین معارف را ما باید برای مردم دنیا مطرح کنیم که امروزه هم مطرح است که یک انسان باید از خودش بیرسد که ما از کجا آمدیم، کجا زندگی می‌کنیم، کجا می‌رویم! چه هدفی را دنبال می‌کنیم. اینها سؤالات اساسی است که هیچ وقت کهنه نمی‌شود و اسلام برای آن جواب دارد. از این طرف هم لازم است که جوان‌های خودمان قدر خود را بدانند. ببینید جوان‌های ما به آن سوی مرزها رفتند، من ده سال در آن سرزمین بودم و تا آخر خط را دیدم. خوب